

پرونده کلاسه ۱۹۲۲۵۲۰۰۱۹۲۰۰۳۹۲۰۰۰۱۴۰۰۰ شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان گمیشان تصمیم نهایی

شماره ۱۴۰۱۰۳۳۹۰۰۰۳۰۴۶۷۹۰

شاکي: خانم آ - ك فرزند ي با وكالت آقای م - ك فرزند ي به نشاني استان گلستان - شهرستان كردكوي

متهم: آقای ا - ش فرزند خ با وكالت آقای ح - ح - چ فرزند ربه نشاني استان آذربايجان شرقي - شهر تبريز

اتهام: خیانت در امانت

گردشكار: دادگاه با سنجش تمامی برگه ها و درون مایه پرونده، پایان رسیدگی را اعلام می کند و با یاری خواستن از خداوند دادگر و با اتکا به شرف و وجدان قضایی، سپس مبادرت به صدور رای می کند:

«رای دادگاه»

مقدمه :

برپایه کیفرخواست شماره ۱۴۰۱۰۰۵۱ به تاریخ ۰۶/۰۱/۱۴۰۱ آقای ا- ش فرزند خ (به شهرت ب)، با وکالت آقای ح - ح - چ، متولد ۱۴/۱۱/۱۳۷۱، فاقد سابقه محکومیت کیفری، آزاد به قید قرار کفالت متهم است به : خیانت در امانت یک قطعه سنگ فرا زمینی (شهاب سنگ)، موضوع شکایت خانم آ - ك فرزند ي با وكالت آقای م - ك ، اجمالا و مفادا بدین توضیح که شاکي اظهار داشته است که دو قطعه سنگ را حدود سه سال پیش در روستای کلی کلی ایلام به دست آورده و متهم نیز در زمان پیدا شدن سنگ همراه وی بوده است. به جهت اعتمادی که او به متهم داشته است سنگ ها را در روستای خواجه نفس شهرستان گمیشان به نامبرده سپرده تا آنها را جهت آزمایش به آزمایشگاه های تخصصی آنالیز سنگ ببرد، که در نتیجه ی آنالیز و پاسخ آزمایشگاه آمده است که یک قطعه سنگ معمولی و بی ارزش می باشد اما قطعه دیگر، سنگی گرانبها، با ارزش و فرا زمینی شناسایی شده است. اما پس از آن که قیمت عرفی شهاب سنگ و ارزش مالی آن مشخص شده است که تا چه میزان مورد معامله قرار می گیرد، با مطالبه شاکي از متهم ، نامبرده از استرداد سنگ مذکور به وی امتناع نموده و در این زمینه مدعی مالکیت سنگ نیز شده است.

الف- اقدامات دادسرا :

شاکي بر اثبات ادعای خود علاوه بر جوابیه آزمایشگاه خوارزمی تهران مبنی بر فرا زمینی بودن سنگ مذکور، پنج گواه نیز حاضر نموده است که گواهان وی مضموناً اذعان داشته اند سنگ موضوع پرونده متعلق به شاکي می باشد و او این سنگ را پیدا کرده و سپس به متهم تحویل داده است. همچنین متهم طی صورتجلسه به تاریخ ۱۰/۱۱/۱۴۰۰ در شعبه بازپرسی مضموناً مرقوم داشته است متعهد می گردد که سنگ موضوع پرونده را تحویل دهد. از سوی دیگر، متهم در دفاع از اتهام انتسابی در شعبه بازپرسی اظهار داشته است، سنگ در دست وی بوده و متعلق به او می باشد و چندین سال با خانواده شاکي نیز هیچ ارتباطی ندارد. وکیل وی نیز مضموناً بیان داشته است که ، موکل وی سنگ موضوع پرونده را حدوداً شش یا هفت سال قبل پیدا کرده و در حدود آذر ماه سال ۱۳۹۹ موضوع سنگ را با مادر خود در میان گذاشته است. در ادامه فرایند تحقیقات مقدماتی، شاکي بار دیگر سه گواه حاضر کرده است که مضموناً اظهار داشته اند که پس از شکایت شاکي، متهم به حضور آنها آمده و حاضر به صلح و سازش با شاکي گشته و پذیرفته است که سهم هر یک از فروش سنگ نصف باشد. همچنین وکیل شاکي برگه هایی از پرینت پیامک های فرستاده شده از سوی شاکي و متهم را ارائه کرده است که مضمون پیامک ها اینچنین است که دو سوی پرونده در ابتدا این گونه صلح کرده اند که شصت درصد از سهم فروش سنگ متعلق به آقای ا- ش شود و چهل درصد آن متعلق به خانم آ- ك گردد و بر همین مبنا قراردادی در این خصوص باید تنظیم می شده است. اما در ادامه میان آنها اختلاف به وجود آمده و شاکي در پیامک های متعدد ضمن ابراز نارضایتی خود مبنی بر این که وی فریب خورده است و بر روی پیشنهاد صلح و سازش متهم اعتماد کرده بود، دو باره اعلام داشته که از راه قانونی پیگیری خواهد کرد. در مقابل، متهم نیز در راستای ادعای مالکیت خود بر سنگ، پنج گواه حاضر کرده است که اجمالا گواه نخست به عنوان مادر متهم در شعبه بازپرسی در تاریخ ۱۲/۱۲/۱۴۰۰ مضموناً اظهار داشته است که مادر وی مدتی قبل فوت کرده و او حدوداً ده روز پیش از فوت مادر خود، در حال خانه تکانی با سنگ سیاهی روبرو شده است که در این باره از فرزند خود ( ا ) موضوع سنگ را جويا شده است که ا ش بیان داشته است که سنگ متعلق به وی می باشد. گواه دیگر خود

را از بستگان طرفین دعوا معرفی کرده و مضمونا اظهار داشته است که حدود تیر ماه ۱۴۰۰ که مادر بزرگ همسر وی فوت کرده است، در منزل متهم حضور داشته و در آن زمان فقط مشاهده نموده است که آقای اش یک قطعه سنگی را به خواهر خود نشان می دهد و در خصوص این که آن سنگ متعلق به چه کسی می باشد اظهار بی اطلاعی کرده است. دیگر گواه که دایی متهم بوده است نیز مضمونا بیان داشته است که در تیر ماه ۱۴۰۰ به جهت فوت مادرش در منزل خواهر خود بوده که متهم یک قطعه سنگ سیاهی را به وی نشان داده است و درباره این که سنگ متعلق به چه کسی است اظهار بی اطلاعی نموده است. دو گواه دیگر نیز که از خواهران متهم بوده اند مضمونا اظهارات گواه پیشین (دایی متهم) را تکرار کرده اند. همچنین وکیل متهم نیز برگه هایی از پرینت پیامک های ارسالی از سوی شاکی را ارائه داده است که مضمون پیامک های مورد اشاره این چنین است: شاکی خطاب به متهم نوشته است که در ابتدا قول و قرار بر نصف بودن سهم هر یک بوده است اما اکنون که اینگونه شد، به نصف هم راضی نمی شود، زیرا همه هزینه ها با وی بوده است و یا در پیامکی دیگر نوشته است که تمام هزینه ها با او بوده، متهم ۵۰ الی ۶۰ میلیون تومان پول وی را هزینه کرده است، به او اعتماد داشته و متهم از اعتماد وی سو استفاده کرده است، دستگاه (فلزیاب) را وی خریده است. از قول متهم نوشته است که اگر سر سوزنی پیدا کنیم نصف به نصف باشد. این که چند سال پیش هم با همدیگر سنگی را پیدا کرده اند و متهم آن را پنهان نموده است. این که یک ماه در بیابان همراه متهم بوده است و با همدیگر قسم یاد کرده اند که هرچه پیدا کرده اند در آن شریک باشند. اما اکنون متهم دارد خلاف آن رفتار می کند.

ب- اقدامات دادگاه :

در جلسه نخست دادرسی وکیل شاکی در راستای تبیین بیشتر موضوع در پاسخ به پرسش دادگاه اجمالا بیان داشته است که سنگ متعلق به موکل وی بوده و در ابتدا جهت آزمایش به آزمایشگاه خوارزمی برده شده است و سپس از طریق آقایان ع به ک - د و سپس از ک - د به آقای ف - خ و از سوی ایشان با آقای ع - ز آشنا و متصل شده است و آقای ز نیز سنگ را به آزمایشگاه بینالود تهران برده و جوابیه آن آزمایشگاه به شماره پیگیری b.b353 به تاریخ ۱۹/۰۸/۱۴۰۰ که به نام آقای ز صادر شده است دلالت بر کهکشان بودن سنگ داشته است. از سوی دیگر وکیل متهم نیز اظهارات شهود شاکی را متناقض دانسته و در ادامه مضمونا بیان داشته است که شاکی در شکواییه اعلام کرده است که دو قطعه سنگ را تحویل متهم داده است اما اکنون وکیل وی بیان می دارد که هیچ قطعه سنگی جهت انجام آزمایش تحویل متهم نشده است. همچنین وکیل شاکی طی لایحه ای پس از جلسه نخست دادرسی مضمونا مرقوم داشته است که زمان تحویل سنگ به متهم در دی ماه ۱۳۹۹ بوده و تا زمان شکایت چندین مرتبه به متهم مراجعه کرده است. همچنین در تاریخ ۱۹/۰۸/۱۴۰۰ متهم سنگ را به آزمایشگاه بینالود تحویل داده است اما صاحب سنگ را آقای ز معرفی می کند در حالی که متهم سنگ را به آزمایشگاه خوارزمی نیز داده بوده است. در جلسه دوم دادرسی ، متهم در برابر سوالات دادگاه مضمونا اینگونه پاسخ داده است که سنگ موضوع پرونده هم اکنون در اختیار وی می باشد و آن را به دادگاه نشان داده است و در ادامه اظهار داشته است در سال ۱۳۹۷ به درخواست شاکی برای کشف زیرخاکی به شهرستان ایلام رفته اند و در آن شهر با شخصی به نام بهنام که آشنای شاکی بوده است دیدار کرده و با همدیگر جهت کشف زیرخاکی به مکان های مختلف رفته اند اما اشیائی پیدا نکرده اند. در این مدت در منزل دوست متهم ح - ب ساکن بوده اند که ایشان سنگی را پیدا نموده و به متهم داده است که مورد آزمایش قرار بگیرد تا مشخص شود گرانبها است یا خیر و متهم نیز پس از بازگشت از شهرستان ایلام ، حدود یک هفته بعد ، از طریق ارسال پستی ، سنگ مذکور را به یکی از آزمایشگاه های استان سمنان فرستاده است اما نتیجه این بوده است که سنگ ارسالی هیچگونه ارزشی ندارد و سنگی زمینی می باشد. در ادامه متهم بیان داشته است که قطعه سنگی را نیز حدود ۵ سال پیش بین مرز ترکمنستان و ایران در منطقه آق توفی پیدا کرده است و آن را در خانه ( کمد ) خود نگهداری نموده است تا اینکه در دهه آخر اسفند ۱۳۹۹ هنگامی که مادر وی در حال خانه تکانی بوده است ، سنگ وی را پیدا کرده است و وی به خاطرش آمده است این چنین سنگی نیز داشته است. سپس از آن عکس گرفته و در شبکه اجتماعی اینستاگرام برای اشخاصی که در زمینه شهاب سنگ فعالیت می کنند ارسال کرده است و اشخاص مذکور نیز گفته اند که سنگ فرستاده شده ، احتمالا شهاب سنگ می باشد و آزمایشگاه خوارزمی را به وی معرفی کرده اند و او با هزینه خود سنگ را به آزمایشگاه خوارزمی برده است. در ادامه، دادگاه طی استعلامی از پلیس فتای استان مرقوم داشته است که تاریخ هجری شمسی پارگزاری تصاویر شهاب سنگ در صفحه جی میل متهم بررسی گردد این که آیا اصالت تاریخ ، صفحه جی میل و تصاویر پارگزاری شده مورد تایید متخصصان و مهندسين آن مرجع قرار می گیرد یا خیر؟ همچنین طی استعلام دیگری از

حفاظت اطلاعات دادگستری استان خطوط متعلق به شاکی و متهم و پرینت تماس ها و پیامک های این خطوط نیز اخذ گردیده است. در جلسه سوم دادرسی، شاکی در برابر سوالات دادگاه مضمونا پاسخ داده است که حدود چهار یا پنج سال پیش متهم به جهت فعالیت او در زمینه کشف زیرخاکی، به وی گفته است که در شهرستان ایلام دوستانی دارد که در زمینه پیدا کردن زیرخاکی به او کمک می کنند لذا تقاضای کمک مالی از او کرده است. با هزینه شاکی دو عدد دستگاه فلز یاب خریداری شده و با همدیگر به شهرستان ایلام رفته اند. پس از آن که در شهر ایلام اشیائی پیدا نکرده اند به پیشنهاد شخصی به نام نادر به روستای کلی کلی ایلام رفته اند. در روستای کلی کلی روزی همسر صاحب خانه سنگی را به شاکی نشان داده است و گفته است آن را در این روستا پیدا نموده و به شاکی بیان داشته است با توجه به این که اقدامات شما دو نفر در این روستا بی نتیجه مانده است لذا این سنگ را به شاکی داده تا به آزمایشگاه ببرد و اگر گرانبها بوده است پولی نیز به وی بدهند. شاکی در ادامه اظهار داشته است که در این خصوص کنجکاو شده است و با متهم به مناطق کوهستانی اطراف روستای کلی کلی رفته اند تا چنانچه سنگی شبیه به سنگ صاحب خانه دیده اند، پیدا نمایند. هنگامی که او و متهم در حال یافتن سنگ بوده اند شاکی سنگی پیدا کرده است که به نظر وی عجیب می آمد و بعد در همان مکان موضوع را به اطلاع متهم رسانده است. در راه بازگشت از شهرستان ایلام نیز با یکدیگر توافق نموده اند که چنانچه سنگ، گرانبها باشد سهم هر یک نصف می باشد همانطور که سابقاً در خصوص زیر خاکی نیز توافق کرده اند. همچنین شاکی در ادامه بیان داشته است در ابتدا متهم گمان می برده است که سنگی که صاحب خانه داده است قیمتی می باشد لذا نخست آن سنگ را در آزمایشگاهی در سمنان برده است که نتیجه آن این بوده که سنگ مذکور بی ارزش است. اما سنگی که وی پیدا نموده است را در سال ۱۳۹۹ به متهم داده است تا برای آنالیز به آزمایشگاه ببرد که شش الی هفت ماه بعد از آن که جواب آنالیز سنگ آمده است مطلع شده است که سنگ یاد شده، شهاب سنگ و فرازمینی می باشد. از سوی دیگر متهم در جلسه دادگاه ضمن پذیرش سفر به شهرستان ایلام اظهار داشته است که سفر به آن شهر به پیشنهاد شاکی بوده است و اشخاص ساکن در آن شهر نیز از دوستان و آشنایان وی بوده اند. در خصوص رفتن به روستای کلی کلی نیز اظهار داشته است که در آن روستا به خانه دوست وی آقای حسین بیگی رفته اند و هنگامی که وی و دوستش در حال قدم زدن بوده اند سنگی را پیدا کرده اند که بعداً در آزمایشگاه مشخص شده است سنگ بی ارزش می باشد. متهم در پاسخ به سوال دادگاه در خصوص تاریخ واقعه مذکور اظهار داشته است که حتماً به طور تقریبی نیز نمی داند که در چه تاریخی و در چه سالی سنگی را که در روستای کلی کلی پیدا کرده است را به آزمایشگاه برده است. بار دیگر متهم در خصوص این سوال که بارگذاری تصاویر سنگ در فضای جیمیل وی مربوط به چه زمانی می باشد پاسخ داده است که سه سال قبل، دگر بار بیان داشته که یکسال و سرانجام اظهار داشته است که نمی داند. در نهایت وکیل متهم در دفاع از اتهام انتسابی موکل خود مضموناً بیان داشته است که حسب اظهارات شاکی و وکیل وی، سنگ موضوع پرونده در دی ماه سال ۱۳۹۹ تحویل موکل وی شده است اما تاریخ بارگذاری سنگ در جیمیل موکل وی مربوط به سال ۱۳۹۸ می باشد.

استدلال قضایی دادگاه و اسباب موجهه رأی :

دادگاه با بررسی و سنجش همه برگه ها و درون مایه پرونده بر پایه استدلال های زیر اتخاذ به تصمیم می کند:

نخست؛ پیرامون گواهان دو سوی پرونده، گواهان شاکی به صراحت بیان داشته اند که سنگ متعلق به شاکی می باشد و زمانی که سنگ در اختیار شاکی بوده است متهم آمده و آن را از وی تحویل گرفته است اما از گواهان متهم فقط مادر وی اظهار داشته است که قطعه سنگی را در خانه تکانی پیدا کرده و به فرزند خود داده است اما سایر گواهان در خصوص این که سنگ متعلق به چه کسی می باشد اظهار بی اطلاعی کرده اند.

دوم؛ مفهوم و فحوای صورتجلسه ۱۳/۱۱/۱۴۰۰ (مضموم در صفحه ۲۷ پرونده) به گونه ای است که دلالت بر پذیرش متهم مبنی بر تعلق سنگ موضوع پرونده به شاکی دارد و این برداشت را می توان از نوع نگارش صورتجلسه و امضای شاکی، متهم، مراد دردی کر (دایی طرفین دعوا) و وکیل شاکی در ذیل صورتجلسه آن هم در نزد بازپرس محترم فهمید.

سوم؛ آزمایشگاه خوارزمی در نتیجه آنالیز خود، ضمن بیان نوع سنگ، مکان کشف و پیدایی آن را کویر لوت، سیستان و بلوچستان اعلام می کند. در حالی که متهم اذعان داشته است که سنگ موضوع پرونده را در استان گلستان، شهر مراوه تپه و در روستایی نزدیک مرز ترکمنستان پیدا کرده است.

چهارم؛ مادر متهم به عنوان گواه در بازپرسی در تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۲ اظهار داشته است که ده روز پیش از فوت مادرش، مشغول خانه تکانی بوده است که سنگ موضوع دعوا را پیدا نموده است و فوت مادر خود را نیز مدتی قبل تر بیان می دارد. همچنین گواهان دیگر متهم، تاریخ فوت را تیر ماه ۱۴۰۰ بیان داشته اند. یعنی مادر متهم در همان تاریخ مشغول خانه تکانی بوده است. در حالی که متهم تاریخ خانه تکانی مادر خود و متعاقبا پیدا شدن سنگ را دهه آخر سال ۱۳۹۹ اعلام کرده است

پنجم؛ پلیس فتای استان، تاریخ بارگزاری تصاویر در فضای جیمیل را در تاریخ های ۱۷ اکتبر ۲۰۱۹ (۱۳۹۸/۰۷/۲۵) و ۲۲ دسامبر ۲۰۱۹ (۱۳۹۸/۱۰/۰۱) اعلام کرده و ضمن جوابیه آن مرجع آمده است که هیچگونه اطلاعاتی در مورد دوربینی که این تصاویر از طریق آنها گرفته شده و همچنین تاریخ گرفتن تصاویر، مشخص نمی باشد. همچنین اظهارات متهم که بیان داشته است در دهه آخر اسفند ۱۳۹۹ در حالی که مادر وی مشغول خانه تکانی بوده است متوجه شده است که سنگ عجیبی دارد که آن را پنج سال پیش در روستای آق توقی مراوه تپه پیدا نموده است و از آن زمان تا اسفند سال ۱۳۹۹ در خاط وی نبوده است که یک همچین سنگی نیز دارد و سپس از آن سنگ عکس گرفته است با جوابیه پلیس فتا متعارض می باشد. زیرا چطور متهم شهاب سنگ موضوع پرونده را در سال ۱۳۹۸ در فضای جیمیل خود بارگذاری می کند اما در اسفند سال ۱۳۹۹ تازه متوجه می شود که یک همچین سنگی نیز در خانه دارد و پس از پنج سال مادر وی آن را در خانه تکانی پیدا کرده است!!!

ششم؛ در دفاعیات وکیل متهم آمده است که ارتباط شاکی و متهم فقط پس از تاریخ شکایت شاکی می باشد و پیش از تاریخ شکایت، آنها هیچگونه ارتباطی با یکدیگر حتی به صورت تلفنی یا پیامکی نیز نداشته اند و این نشان از آن دارد که شهاب سنگ موضوع پرونده ارتباطی با شاکی ندارد. اما حسب استعلامی که دادگاه از حفاظت اطلاعات دادگستری استان در خصوص خطوط مورد استفاده شاکی و متهم از سال ۱۳۹۷ به بعد و ارتباط آنها با یکدیگر گرفته است نشان از آن دارد که نامبردگان هم به صورت تماس و هم به طور پیامکی با یکدیگر ارتباط داشته اند.

هفتم؛ وکیل متهم در بازپرسی اظهار داشته است که موکل وی شش یا هفت سال پیش شهاب سنگ موضوع پرونده را پیدا کرده است و در آذر ماه سال ۱۳۹۹ موضوع سنگ را با مادر خود در میان گذاشته است، همچنین مادر متهم بیان می دارد که در تیر ماه ۱۴۰۰ سنگ را در خانه پیدا نموده است و متهم نیز در مرحله دادرسی در دادگاه اذعان می کند که در دهه آخر اسفند ۱۳۹۹ مادر وی سنگ را پیدا و به وی تحویل داده است. پیرامون این موضوع هر یک از سه شخص یاد شده روایت های متفاوت و متعارضی را بیان می دارند که این صداقت متهم و گواه وی را در بیان واقعه دچار خدشه می کند.

هشتم؛ اظهارات متعارض متهم در دیگر بخش های پرونده نیز مشاهده می شود بدین توضیح که متهم در جلسه دوم دادرسی بیان داشته است که در سال ۱۳۹۷، یک هفته پس از بازگشت از سفر ایلام، سنگی را که با ح - ب یکی در روستای کلی کلی در حال قدم زدن پیدا نموده است را از طریق پست به آزمایشگاهی در یکی از شهرهای استان ایلام ارسال کرده است. اما در جلسه سوم دادرسی نامبرده اظهار داشته است که حتی به طور تقریبی نیز نمی داند که در چه تاریخی و در چه سالی ، سنگی را که در روستای کلی کلی پیدا کرده است را به آزمایشگاه برده است، یا در پاسخ به سوالی دیگر در خصوص بارگذاری تصاویر سنگ در فضای جیمیل خود، نخست پاسخ داده است که سه سال قبل، دگر بار بیان داشته است که یک سال و سر انجام اذعان داشته که نمی داند.

نهم؛ سه تن از گواهان شاکی مضمونا اظهار داشته اند که پس از شکایت شاکی، متهم جهت صلح و سازش با شاکی نزد آنها آمده است و بنا بر تنصیف سهم هر یک گذاشته شده است. از سوی دیگر ،پیامک های فرستاده شده از سوی طرفین پرونده نیز موید اظهارات گواهان شاکی مبنی بر برگزاری جلسه صلح و سازش و تعیین سهم هریک می باشد. اما از مجموع پیامک های ارسالی دو سوی پرونده که مورد استناد وکلای طرفین دعوا نیز بوده است نکته دیگری نیز قابل برداشت است و آن این موضوع می باشد که شاکی و از همان ابتدا به جهت رابطه نزدیک و صمیمانه ای که داشته اند، در همه جا با همدیگر بوده اند و نوع روابط مالی آنها نیز (چه در پیدا کردن زیر خاکی یا سنگ و ...) از نوع شراکت بوده است و این با هم بودن ها، شریک بودن، قرار صلح و سازش و تعیین سهم کردن و... که در پیامک ها و اظهارات طرفین دعوا مشهود است همگی دلالت بر نوعی شراکت در کار دارد.

لذا دادگاه بر پایه استدلال های گفته شده، اظهارات شاکی را مقرون به صحت و درستی دانسته اما اظهارات متهم را منطبق با حقیقت نمی داند و نظر بر ارتکاب بزه خیانت در امانت از سوی متهم دارد. حتی اگر بر پایه درون مایه پرونده گفته شود که مال امانی مورد خیانت شده مشاع می باشد، لذا بزه خیانت در امانت در اموال مشاعی قابل تحقق نمی باشد. زیرا هر یک جزء از مال مشاع متعلق به کلیه شرکا می باشد و آن را نمی توان نسبت به هر یک از شرکا به مفهوم واقعی کلمه مال غیر دانست. به نظر دادگاه با فرض پذیرش مشاعی بودن سنگ موضوع دعوا نیز خللی در بزهکاری و مجرمیت متهم در ارتکاب جرم خیانت در امانت ایجاد نمی کند. بدین توضیح که به موجب ماده ۵۷۱ قانون مدنی: « شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه » پس زمانی که از مال مشاع سخن گفته می شود، منظور مالی است که متعلق به بیش از یک نفر، که به رغم مشخص بودن سهم مالکیت هر یک، افزای صورت نگرفته است و شرکا در هر یک از اجزای مال دارای حق مالکیت هستند. اولاً اطلاق واژه « اموال » در ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ ( بخش تعزیرات )، متضمن شمول آن بر اموال مشترک مفروز و غیر مفروز است. ثانیاً مرتکب جرم، افزون بر تعدی به سهم مشاع خود که در قبایل آن پاسخگو نمی باشد، نسبت به مال شریک خود ( بخشی از مال که دیگری نیز بر آن مالکیت دارد ) مرتکب تصاحب شده است. لذا در صورتی می توان متهم را از ارتکاب جرم خیانت در امانت مبری دانست که وی مالک مال باشد و چون همه شرکا در تمامی اجزا مال مشاع شریک می باشند، نمی توان آن را متعلق به هر یک از شرکا دانست. ثالثاً ماده ۵۸۲ قانون مدنی به صراحت بیان می دارد: « شریکی که بدون اذن یا در خارج از حدود تصرف در اموال شرکت نماید ضامن است. » رابعاً چنانچه بر پایه دیدگاه « عدالت » و « انصاف » نیز این موضوع را مورد بررسی قرار دهیم، جرم انگاری این رفتار مرجح می باشد زیرا در این جا یک نفر به ناحق، حق دیگری ( یعنی شریک دیگر ) را تضییع کرده است و باید با واکنشی کیفری روبرو شود. خامساً با توجه به این که جرایم سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت و تخریب عمدی، در دایره جرایم علیه اموال و مالکیت قرار می گیرند و همگی این جرایم تعرض عمدی به حق مالکیت اشخاص می باشند و در این گونه جرایم شرط « تعلق مال به غیر » از عناصر مشترک رکن مادی است لذا در این زمینه می توان از وحدت ملاک ماده ۲۷۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص بزه سرقت استناد کرد که: « هرگاه شریک یا صاحب حق، بیش از سهم خود، سرقت نماید و مازاد بر سهم او به حد نصاب برسد، مستوجب حد است. » و یا به رای وحدت رویه شماره ۱۰ به تاریخ ۲۱/۰۷/۱۳۵۵ هیئت عمومی دیوان عالی کشور پیرامون جرم تخریب عمدی نیز استناد نمود که دیوان عالی کشور در رای مذکور ارتکاب بزه تخریب در اموال مشاع را قابل تحقق دانست و در رای مذکور بیان می دارد: « به طوری که از اطلاق و عموم ماده ۲۶۲ قانون کیفر عمومی مستفاد می گردد، ارتکاب اعمال مذکور در آن ماده در صورتی که مقرون به قصد اضرار یا جلب منافع غیر مجاز یا سوءنیت باشد، قابل تعقیب و مجازات است؛ هر چند مالکیت اموال موضوع جرم مشمول ماده مذکور به طور اشتراک و اشاعه باشد. » اگر چه نتیجه رای وحدت رویه برای دادگاه ها لازم الاتباع است نه استدلال به کار رفته شده در آن اما همانطور که ملاحظه می شود فلسفه مورد نظر در صدور این رای، اختصاص به جرم تخریب ندارد و می تواند در مورد کلیه جرایم علیه اموال مورد قبول واقع شود و نمی توان تخریب مال مشاع توسط احد از شرکا را جرم دانست، اما خیانت در امانت در مال مشاع توسط احد از شرکا را جرم ندانست. به عبارت دیگر، اگر مال مشاع « متعلق به دیگری » است، و دیوان عالی کشور در خصوص تخریب عمدی آن را جرم دانسته است پس هر گونه تعرضی به آن، با وجود سایر شرایط، در دیگر رفتارها مانند خیانت در امانت، کلاهبرداری و... نیز دارای وصف مجرمانه می باشد اما اگر متعلق به غیر محسوب نمی شود، هیچ کدام از تعرض هایی که علیه آن صورت می گیرد، واجد وصف کیفری نخواهد بود. سادساً رویه قضایی نیز در تصمیم های متعددی بنا به ملاحظات نظم عمومی و احترام به حریم حق مالکیت اشخاص و عدم تعرض به آن و در راستای نیاز جامعه به امنیت و لزوم حفظ حقوق افراد، اقدام شریک را جرم و قابل مجازات می داند. برای نمونه اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۵۰۹۲/۷ به تاریخ ۰۵/۰۹/۱۳۷۶ بیان داشته است: « مشاع بودن مال، موجب عدم شمول ماده ۶۷۴ ق.م.ا نمی شود زیرا ممکن است مال مشاعی را مالکین آن نزد شخصی امانت بگذارند و هنگام استرداد آن، شخص از رد مورد امانت امتناع و آن را تصاحب نماید. چنین موردی بدون شک از مصادیق خیانت در امانت و مشمول ماده مرقوم می باشد و لذا هر گاه شریکی سهم خود را نزد شریکش به امانت گذارد و شریک مذکور بدون اجازه در آن تصرف نماید و یا آن را تصاحب نماید نفس عمل مذکور خیانت در امانت محسوب می شود. » یا دیوان عالی کشور در آرای متعددی مانند رای شماره ۴۱ به تاریخ ۱۳۱۷/۰۴/۱۸ و رای شماره ۳۶۲۹-۲۳۴-۳۴۷۹ و رای شماره ۳۶۲۹ به تاریخ ۱۳۱۷/۱۱/۲۴ تحقق جرم در اموال مشاع در جرایم علیه اموال و مالکیت را پذیرفته است. سابعا این که گفته شده است در موارد تردید باید براساس تفسیر به نفع متهم عمل کرد و نظر

واستدلالی را پذیرفت که به نفع متهم می باشد به نظر دادگاه استدلال درستی نمی باشد چرا که تفسیر قانون در دو مقام انجام می شود: یکی مقام ثبوت و دیگری در مقام اثبات، جایگاه تفسیر به نفع متهم در مقام اثبات بروز و ظهور پیدا می کند لذا در مقام ثبوت اساساً متهمی وجود ندارد تا بتوان به نفع او نظر داد و دادگاه نیز در بحث کنونی در مقام ثبوت استدلال کرده است. بنابراین ارکان بزه خیانت در امانت در این دعوا روشن می باشد بدین توضیح که الف- موضوع جرم، مالی منقول است که با توجه به این که ارزش داد و ستد دارد و در برابر آن پول یا مال دیگری داده می شود دارای مالیت شرعی و عرفی می باشد. ب- تعلق مال به دیگری نیز حسب استدلال گفته شده در سطور فوق از نظر دادگاه محرز است. پ- رابطه حقوقی امانی، مشمول عبارت « هر کار با اجرت یا بی اجرت » که در ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی ذکر شده است می گردد و روشن است که منظور قانون گذار از بیان این عبارت هر نوع رابطه امانی خارج از حیطه عقود معین امانی ( ودیعه، عاریه، وکالت، رهن، اجاره و مضاربه ) می باشد. ت- عنصر سپردن نیز با توجه به اظهارات شاکی و گواهان وی و اظهارات متعارض متهم محرز می باشد. ث- شرط استرداد یا به مصرف معین رسیدن نیز بر اساس گواهی گواهان و ادله مذکور در پرونده از جمله جلسات صلح و سازش نامبردگان و تعیین سهم هریک روشن است. ج- رفتار مرتکب با مصداق « تصاحب کردن » بر پایه اظهارات وی در فرایند دادرسی که مستمراً مدعی مالکیت بر سنگ شده است و سنگ موضع دعوا نیز اکنون در اختیار وی می باشد محرز و مسلم می باشد. چ- ورود ضرر به شاکی نیز با عنایت به این که شاکی مالک سنگ می باشد و سنگ موصوف نیز به لحاظ مادی گران بهاء می باشد لذا متهم با تصاحب آن موجب ضرر مادی شاکی شده است. ح- علم و آگاهی متهم نیز نظر به این که نامبرده « می داند » سنگ متعلق به شاکی است با اراده خود « می خواسته است » به شاکی ضرر وارد آورد. بنابراین بزه خیانت در امانت بنا به مراتب فوق از سوی متهم به نظر دادگاه محقق شده است.

نتیجه حکم دادگاه:

بنابراین دادگاه دلایل و استدلال های ذکر شده در رای را کافی برای گذشتن از اصل برانته می داند لذا مستنداً به ماده ۶۷۴ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (بخش تعزیرات)، متهم آقای ا - ش را به تحمل نود روز حبس تعزیری محکوم می دارد. اما مدت حبس مذکور را با استناد به تبصره ماده ۶ قانون کاهش مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ و همچنین مواد ۶۴، ۶۵، ۷۰ و بند الف مواد ۸۳ و ۸۶ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تصویب نامه هیئت وزیران مصوب ۱۳۹۹ به جزای نقدی جایگزین حبس به میزان پانزده میلیون ریال در حق صندوق دولت محکوم می دارد. مقرر است در صورت ناتوانی از پرداخت جزای نقدی مجازات حبس نامبرده اجرا می شود. در توجیه مجازات مذکور که آیا مجازات متهم متناسب می باشد یا خیر باید گفت هیچگونه جهات تشدید در پرونده وجود ندارد تا دادگاه بیشتر از حداقل مجازات قانونی حکم دهد، از طرفی وفق ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ دادگاه بایستی جهات تشدید مجازات را رای ذکر نماید. از سوی دیگر به موجب تبصره ماده ۱۱ قانون یاد شده مجازات حبس تمامی جرایم قابل گذشت نصف می گردد و با توجه به این که بزه مذکور قابل گذشت می باشد مشمول این قاعده می گردد و حسب تکلیف مقرر در تبصره ماده ۶ قانون مذکور، الزاماً تبدیل به مجازات جایگزین حبس می شود. امکان مجازات های تکمیلی متناسب با توجه به این که جنبه حصری دارد یا استفاده از نهادهای تعویق یا تعلیق مراقبتی یا مجازات های جایگزین دیگری ممکن نبوده و سبب این می شود که مجازات فاقد قدرت بازدارندگی لازم و نیز به کلی غیر موثر و ناکارآمد شود لذا دادگاه حسب قوانین موجود چاره ای جز انتخاب این مجازات ( یعنی جزای نقدی جایگزین حبس ) ندارد. همچنین در خصوص اتهام آقای ا - ش در مورد خیانت در امانت قطعه سنگ دیگر در پرونده، با توجه به این که سنگ مذکور از سوی آزمایشگاه تخصصی به عنوان سنگی معمولی و بی ارزش شناسایی شده است و طرفین پرونده نیز بر این امر تاکید و تایید داشته اند که سنگ یاد شده دارای ارزش و بها نمی باشد، لذا نظر به تعریف مال در حقوق مدنی، اشیایی را شامل می شود که ارزش داد و ستد دارد و در برابر آن پول یا مال دیگری داده می شود و دارای مالیت است لذا نظر به این که مالیت سنگ مذکور محرز نمی باشد، بنابراین دادگاه خیانت در امانت در خصوص این سنگ را فاقد وصف مجرمانه می داند و مستنداً به ماده ۴ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، حکم بر برانته متهم صادر و اعلام می دارد. این رای حضوری است و ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در دادگاه تجدید نظر استان گلستان می باشد.